

فصلنامه علمی - تخصصی ذر ذری (ادبیات غنایی، عرفانی)
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۱، ص. ۹۳-۱۰۳

وطن در شعر مقاومت معاصر فلسطینی

محمدرضا عزیزپور^۱

مسعود باوان پوری^۲

نرگس لرستانی^۳

چکیده

ادبیات مقاومت شاخه‌ای از ادبیات است که به اشعاری اختصاص دارد که نتیجه مقاومت و دلاورمردی‌های یک ملت یا قوم در برابر هرگونه تجاوز و ظلم و ستم است. با نگاهی به ادبیات کشورهای درگیر جنگ - داخلی یا خارجی - در می‌یابیم که این نوع از ادبیات نزد آن‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وطن‌دوستی یا عشق به میهن یکی از مهمترین درون‌مایه‌های غنایی اشعار شاعران معاصر فلسطینی است. از جمله این شاعران می‌توان از ابراهیم‌مطوفان، علی فوده، عمر ابوریشه، صالح محمود هواری و کمال ناصر یاد کرد که احساس عشق به وطن در جای‌جای اشعارشان، به خوبی متجلی و آشکار است. شعر این شاعران جزئی از شعر مقاومت در جهان است که با نام فلسطین تجلی می‌یابد. مقاله حاضر می‌کوشد با بررسی دیوان‌های شعری این شاعران و انتخاب نمونه‌هایی از دریای بیکران وطن‌دوستی آنها، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تبیین این حس در اشعار آنان بپردازد.

کلیدواژه‌ها:

ادبیات مقاومت، شعر معاصر، وطن‌دوستی، فلسطین، شاعران فلسطینی

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کردستان

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران.

masoubavanpouri@yahoo.com

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی و مدرس دانشگاه پیام‌نور niaiesh6087@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲

مقدمه

ادبیات مقاومت واکنش فکری- فرهنگی ملت‌های تحت سلطه است. ملت‌ها با این که از جغرافیا، فرهنگ، منش و آرمان‌های مختلف برخوردارند اما بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در جای‌جای دنیا در اغلب موضوعات جهت‌گیری واحدی را دنبال می‌کند. مقاومت را می‌توان یکی از ابعاد وجودی انسان دانست چرا که از همان آغاز زندگی، مبارزه بین انسان و طبیعت برای بقا، حفظ و ادامه زندگی آغاز می‌گردد. این واژه همواره با ظلم‌ستیزی عجین شده و آن را تداعی می‌کند. اگرچه ادبیات مقاومت در طول تاریخ پیشینه‌ای طولانی دارد؛ ولی گسترش ظلم و بی‌عدالتی و تقویت انگیزه دفاع از حق در شکل‌گیری و احیای آن نقش داشته است. سیما داد نخستین نموده‌های ادب مقاومت را در اساطیر و حماسه‌های ادبی دانسته است «نخستین نموده‌های مقاومت انسان در ادبیات را می‌توان در اسطوره‌ها و حماسه‌های ادبی دید چنان که در ادبیات یونان باستان، مفهوم اسطوره با جنگ خدایان با قهرمانان یا مصائب و سختی‌هایی که در برابر اقوام گذشته است، گره خورده است» (داد، ۱۳۸۳: ۳۴).

در زمان حاضر نیز که برخی از قدرت‌های سلطه‌جو و مستبد داخلی و استعمارگران خارجی به غارت و چپاول و اشغالگری در کشورهای مختلف می‌پردازند، نوعی دیگر از ادبیات مقاومت شکل می‌گیرد؛ یعنی ایستادگی در برابر حاکمان ستمگر و متجاوزان خارجی که ضامن حفظ بقا و هویت یک ملت است. با نگاهی به تعاریف محمود درویش و غالی شکری از ادبیات مقاومت، به این نکته می‌رسیم که ادبیات مقاومت به مبارزه با ظلم حکومت داخلی و نیز متجاوزان خارجی اطلاق می‌شود؛ محمود درویش شاعر بلندآوازه فلسطینی در تعریف این نوع از ادبیات آورده است «عنوان ادبیات مقاومت معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی شکل می‌گیرد. با داشتن این احساس و هوشیاری عمیق که ادامه سلطه، نامعقول و تغییر دادن آن ضروری است. ولی برای این که شعر مؤثر واقع شود، بایستی تلاشی تغییر آفرین صورت پذیرد و لذا به یک نظریه انقلابی و دارای محتوای اجتماعی مسلح گردد» (درویش، ۱۹۷۱: ۲۷۱).

غالی شکری در تعریف ادبیات مقاومت، آن را اثری دانسته که با زبانی ادیبانه به مبارزه با زشتی‌ها و ستم خارجی یا داخلی می‌پردازد «ادب مقاومت به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازد» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۱-۱۰).

این نوع از ادبیات از بدو تولد انسان همراه وی است و به بیان شعری و ادبی مبارزه‌های یک ملت برای نسل‌های بعدی آنان می‌پردازد «ادبیات مقاومت ادبیاتی است که آموزه‌های مبارزاتی یک نسل مقاوم و مبارز را که برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش‌های ملی و انسانی به پا خاسته است، برای نسل‌های آینده در بیان فخیم شعری و ادبی ترسیم و تصویر می‌کند» (نجاریان، ۱۳۸۸: ۲۰۲). در این راستا تاریخ عربی سرشار از شعر قهرمانی و مقاومت است که به «شعر الحرب، شعر الحماسه و شعر الفخر» معروف می‌باشد (غریبی، ۲۰۰۴: ۳۳).

یکی از شرایط لازم برای تحقق چنین ادبیاتی، عنصر تعهد در کنار هدفمند و تعلیمی بودن آن است «ادب مقاومت شاخه‌ای از ادب متعهد و ملتزم است که محتوای آن در جهت منافع و خواسته‌های یک نظام حاکم مستبد نباشد و با زبانی صریح، بدون تأکید بر نوآوری در زمینه‌های تخیل، بیان شود. بر اساس تعریف، ادب مقاومت باید هدفمند و تعلیمی باشد و برای رساندن پیام یا القای موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود و به مخاطبانش می‌آموزد چگونه در برابر نظام‌های سلطه‌گر و مستبد ایستادگی کنند» (بصیری، ۱۳۷۶: ۲۰).

ابوحاقه مشارکت آگاهانه ادیب در جریان‌های سیاسی را، علت متعهد بودن آن دانسته است «شعرمقاومت در قلمرو ادبیات متعهد قرار می‌گیرد زیرا برخوردار از اصل تعهد یعنی مشارکت آگاهانه ادیب در جریان‌ات سیاسی و اجتماعی جامعه و موضعگیری در قبال آن است» (ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۱۳).

هدف ادبیات مقاومت، همان‌گونه که از نام آن پیداست چیزی جز مقابله با ظلم و ستم و بیداد حاکم بر جامعه از جانب حکومت داخلی یا نیروهای اشغالگر خارجی نیست «جانمایه این آثار، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۶).

بن‌مایه در ادبیات مقاومت

بن‌مایه یا مضمون - که هسته اصلی و جوهر هر متنی را تشکیل می‌دهد و جهت‌گیری فکری نویسنده را به نمایش می‌گذارد و اندیشه اصلی و مسلط آن متن را از آغاز تا پایان در بردارد - هدف اصلی متن را نشان می‌دهد، طوری که اگر چنین نباشد متن ارزش و اعتبار فکری و ادبی خود را از دست می‌دهد. «بن‌مایه یا موتیف/ موتیو، در ادبیات عبارت است از درون‌مایه، تصویر خیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا و رنگ یا کلمه و عبارتی که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ذیل بن‌مایه). اما سیما داد تعریف دیگری از آن ارائه نموده است که به نظر کاملتر به نظر رسیده و حد و مرز آن مشخص گردیده است «بن‌مایه، درون‌مایه، شخصیت یا الگوی معینی {است} که به صورت گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌شود» (داد، ۱۳۸۳: ذیل بن‌مایه). پس در واقع می‌توان آن را با درون‌مایه و جان‌مایه مترادف دانست. درون‌مایه در آثار ادبی مترادف با «مسائل اصلی» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۸) و «محتوا و مضمون» مصطلح شده است (یاحق، ۱۳۸۲: ۱۸).

جان‌مایه ادبیات پایداری در دو جنبه داخلی و خارجی یا بین‌المللی قابل جمع‌بندی است. در جنبه داخلی ذکر و توصیف استبداد حاکمان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مورد نظر است. بدین صورت که اقلیتی با اعمال زور قدرت را به چنگ آورده و مردم و اکثریت آنان را در حاشیه قرار داده‌اند، حقوق اولیه مردم و مشارکت آنان در ساختار سیاسی و مسائل دیگر نادیده گرفته شده، طوری که جامعه با تمام امکانات و ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها در خدمت همان عده قرار گرفته و آنها بازیگران و صحنه گردانان اصلی یک ملت هستند و البته در این زمینه از هر ابزاری بهره می‌گیرند. توجیه حقانیت مردم، توصیف وضعیت موجود جامعه، ذکر آرمان‌های ملی و مردمی، ستایش فتوحات و بیان شجاعت مردم، قانون-گریزی و قانون‌ستیزی حاکمان از ابعاد داخلی ادبیات مقاومت است. در بعد خارجی جان‌مایه ادبیات مقاومت اغلب به اموری برمی‌گردد که هویت و اصالت تاریخی مردمان مقاوم را نشان می‌دهد: شجاعت در برابر اشغالگری، ایستادگی قهرمانانه در برابر بیداد خارجی و استعمار سرمایه‌ملی، عکس‌العمل جدی و مناسب در مقابل بی‌اعتنایی به ارزش‌ها، سنت‌ها، اخلاق، آداب و رسوم قوم و تخریب و استحاله شناسنامه فکری - اعتقادی آنها، پافشاری بر اراده و عزت خود و درهم شکستن قید و قيود یأس و ناامیدی از پیروزی.

بر این اساس ادبیات مقاومت، صدای رسای ملت‌های مظلوم در عصر انفجار آگاهی‌ها و ظهور توانایی‌های جمعی و پایداری آنان در برابر هر آن چیزی است که نقش و جایگاه آنها را فراموش و وزنشان را در معادلات منطقه‌ای و حتی جهانی نادیده گرفته‌اند و با اظهار غرور و تکبر ملت‌ها را تحقیر و آنها را از صورت حساب مسأله پاک می‌کنند و بدین صورت است که مفهوم مقاومت یک ارزش تلقی می‌شود. وطن از عناوینی است که نزد همه‌ی انسانها و نیز در ادیان آسمانی و بخصوص، دین مقدس اسلام مورد توجه بوده و از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است و در آموزه‌های دینی

به محبت و مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است. (میرجلیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). وطن، از دیدگاه اسلام محبوب و مطلوب انسان می‌باشد، باید از آن دفاع کرد و این دفاع مقدس و مطلوب است (همان، ۲۸).

به همین جهت، محبت به وطن که جزو سرشت انسان و افراد و اجتماعات بشری قرار دارد مورد تأیید اسلام است. وطن در اسلام اهمیت بسزایی دارد و میهن‌دوستی، جنبه‌ی الهی و مفهومی مقدس دارد. قرآن در آیاتی به زادگاه پیامبر اسلام (ص) سوگند می‌خورد: «لَأُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» (بلد، ۱) و معنای آیه این است که (هرچند قسم لازم ندارد ولی) سوگند می‌خورم به این شهر، شهری که تو در آن اقامت داری، و این تعبیر توجه می‌دهد به این که مکه به خاطر اقامت آن جناب در آن و تولدش در آن شرافت یافته (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰: ۴۸۴).

شعر مقاومت فلسطین به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل، در انعکاس اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد با متجاوز، نقش بسزایی داشت. نقش ادبیات مقاومت فلسطین به طور کلی برانگیختن، بسیج کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه عمومی به سمت قیام است که به مسئله مبارزه کمک می‌کند (کنفانی، ۱۹۶۸: ۵). مقاله حاضر برآنست با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از دیوان شعری چند تن از شاعران معاصر فلسطین، به بررسی حس وطن دوستی و غیرت ملی در وجود شاعران بپردازد.

ضرورت و هدف پژوهش

شاعران فلسطینی اشعاری زیبا و نیکو در مورد عشق به وطن دارند که بررسی و تبیین این اشعار، ضرورت اصلی در شکل‌گیری این جستار بوده است. هدف از این نوشتار بهره بردن از بن‌مایه عشق به وطن در اشعار چند شاعر معاصر فلسطینی و ارائه تصویری دقیق و جامع از حس وطن‌دوستی در شعر آنان است.

سؤالات پژوهش

سؤالاتی که پژوهش حاضر در جهت پاسخ به آنها به رشته تحریر درآمده است: ۱- شاعران معاصر فلسطینی تا چه میزان به وطن خویش علاقه داشته‌اند؟ ۲- آنان این علاقه را چگونه منقل ساخته‌اند؟ ۳- آنان در این راه از چه لوازمی بهره برده‌اند؟ فرضیه‌های پژوهش نیز عبارتند از: ۱- آنها در شعر خویش توجه خاصی به وطن داشته‌اند. ۲- آنان در قالب استفاده از اسوه‌ها و نمادها گاهی این مطالب را القا نموده‌اند.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های گرانسنگ و ارزشمندی در مورد وطن در شعر شاعران عربی به صورت انفرادی یا تطبیقی صورت گرفته است به عنوان نمونه: عزت ملاابراهیمی (۱۳۸۹) در مقاله «جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان)»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱، شماره ۳/ محمد صالح شریف عسگری و زهره پورباقر و لاشانی (۱۴۳۲) در مقاله «مفهوم الوطن و تجلیات الوطنیه عند سحر خلیفه من خلال ثنائیتها: الصبار و عباد الشمس»، مجله بحوث فی اللغة العربیة و آدابها، شماره ۳/ علی محمد میرجلیلی، کمال صحرائی اردکانی و حمیده سادات موسویان (۱۳۹۱) در مقاله «وطن‌دوستی از دیدگاه قرآن و روایات»، نشریه کتاب قیم، دوره ۲، شماره ۵/ ناهده فوزی و منصوره شیرازی (۰۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تطبیقی جایگاه آرمانی وطن نزد شعرای مهاجر شمال و مهاجر جنوب»، بهارستان سخن، دوره ۹، شماره ۲۳. نیز مقالات فراوانی در حوزه تطبیقی نوشته شده است که ذکر تمامی آنها در این مجال اندک میسر نیست اما با جستجو در سایت‌های معتبر اینترنتی، مقاله یا کتابی با موضوع پژوهش حاضر مشاهده نشد.

وطن در شعر شاعران معاصر فلسطینی

علی فوده

علی یوسف احمد فوده در سال ۱۹۴۶ م در روستای «قنیر» از توابع حیفا به دنیا آمد. دو ساله بود که اسرائیل از طرف سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. از همان زمان به بعد، زندگی آوارگی و فقر و تنگدستی را تجربه کرد و این احساس تا سن سی و شش سالگی، یعنی زمان شهادتش، با او همراه بود. وی پس از شکست ۱۹۴۸ م با خانواده‌اش به کرانهٔ باختری رود اردن رفت و تا پیش از مصیبت سال ۱۹۶۷ م در آنجا به سر برد؛ سپس با خانواده‌اش به اردوگاه «نورشمتهن» در نزدیکی «طولکرم» رفت. علی فوده زندگانی علمی خود را با تدریس در مدرسه «ام عبهر» در ناعور آغاز کرد و به مدت چهار سال در آنجا ماند. به نظر می‌رسد در این فاصلهٔ زمانی بود که توانست مجموعهٔ شعری «فلسطینی کحد السیف» را در سال ۱۹۶۹ م، چاپ و منتشر کند. وی در سال ۱۹۷۳ م به انجمن نویسندگان اردنی پیوست. این دوره، دورهٔ پختگی و بروز تجربهٔ شعری وی محسوب می‌شود. وی در سال ۱۹۷۶ م به بغداد رفت و در آنجا برخی از قصاید مجموع «منشورات سریه للشعب» را سرود؛ سپس برای مدت کوتاهی به کویت رفت و در همان سال به بیروت بازگشت تا در صف رزمندگان مقاومت فلسطین بپیوندد اما به دلیل شخصیت خاص خود، به کار گروهی متمایل نشد و در مبارزه، راه صععلیک را در پیش گرفت و در این راه، مدتی را در زندان به سر برد. در سال ۱۹۸۱ م، مجلهٔ «الرصیف» را با برخی دوستانش منتشر کرد. وی در سال ۱۹۷۷ م سومین مجموعهٔ شعری با عنوان «عواء الذئب» و چهارمین مجموعهٔ شعری را با عنوان «الغجری» و آخرین مجموعهٔ شعری خود با عنوان «منشورات سریه للشعب» را منتشر ساخت. علی فوده در روز دهم ماه تموز سال ۱۹۸۲ م در حالیکه مجلهٔ «الرصیف» را بین رزمندگان پخش می‌کرد، مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و بر اثر همان جراحت‌ها در روز هفتم آگوست سال ۱۹۸۲ م، به شهادت رسید (ابراهیم، ۲۰۰۵: ۸۱ - ۷۶ به نقل از میرقادری و کیانی، ۱۳۸۹: ۶۲۰ - ۶۱۸).

علاقه علی فوده به وطن در دیوان وی نمود فراوانی داشته است؛ با تأمل در این گونه اشعار، می‌توان دریافت که علی فوده، شاعری است وطن‌پرست که سعی در حمایت از وطنش دارد. وی در قطعهٔ زیر بارها اعلام می‌کند که همانند پیشینیان خویش فلسطینی است و گذر زمان نیز نمی‌تواند او را از موضع خویش دور سازد «فلسطینی.. / فلسطینی.. / أقول لکم بانی مثل جدی / مثل زیتونی: فلسطینی / فلسطینی علی مرّ الدهور... / أنا / فلسطینی.. / فلا شرقٌ و لا غربٌ / و لا الأیام تشفینی / إذا ما الكربُ عَشَّش فی شرایینی / فلسطینی.. / و لن أنسی بانی عاشقٌ أبداً «فلسطینی» / و إنی قد ولدتُ، / درجتُ، / ثم حلفتُ أن أفنی فلسطینی» (فوده، ۲۰۰۳: ۷)

شاعر اعلام می‌کند که سرزمین وی بهشت دنیاست و شروع به تمجید زیبایی‌های آن می‌کند که نشانگر علاقهٔ وافر وی به وطنش (فلسطین) می‌باشد «فلسطینی.. / بلادی جنه الدنیا / قنادیل الحیاة / آه، و " قنیر " الصبیئة قریتی / خال برأس الخد مشهور الصفات / الأرض فیها واحه / و العشب أغنیة الرعاة / و النسر فیها یسمع الحسون / و العقبان تسرح و القطاء / أطفالها سود العیون، و یعشقون الارض و الثمر» (همان: ۱۲).

در ادامه ضمن مخاطب قرار دادن روستای خویش - که نمادی از کل وطن می‌باشد - اعلام می‌کند که با دوری از آن هرگز خوابی راحت نداشته و همانند مورچه‌ای لنگ است که از بین رفته است «بعیدا عنک یا «قنیر» إنی لم أنم أبدا / فعمری کله سَفَرٌ / و فی الأسفار لم أنعم / فمن قطرٍ إلی قطرٍ / أسوح أسوح فی الأرض الخراب - کنملة عرجاء - / قدأعدَم» (همان: ۹۳).

علی فوده سپس برای نشان دادن ارادت خویش به وطنش، از اسلوب قرآنی بهره برده و وطن را به سان دین دانسته است (لکم دینکم و لی دین) (سوره کافرون) و اعلام می کند «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون/ ۶ و ۵).

«یفرحکم ما یفرحکم یحزنی ما یحزنی / لکم الجنة / لی وطنی» (همان: ۱۹۳).

شاعر بار دیگر افسوس خویش را بر وطن زیبایش که از دست رفته است بیان می کند

«ذات یوم.. / کان لی وطن یا غریبه خلف الحدود / رائعاً / رائعاً کان / ضاع الوطن / غریبه ضاع الوطن!» (همان: ۲۰۹).

صالح محمود هواری

صالح محمود هواری در روستای سمخ از توابع طبریه فلسطین دیده به جهان گشود. وی در شش سالگی در اثر بمباران منطقه و نیز حمله نیروهای اسرائیلی به همراه خانواده مجبور به ترک فلسطین و کوچ به سوریه شده که آثار این کوچ در شعر وی به خوبی نمایان است. وی لیسانس حقوق و نیز لیسانس زبان و ادبیات عربی را از دانشگاه دمشق دریافت نمود و اکنون بیش از سی سال است که به تدریس زبان عربی می پردازد. صالح هواری از سال ۱۹۷۹م تاکنون عضو اتحاد الکتاب العرب بوده و به مدت ده سال نیز به تدوین برنامه های آموزشی و تربیتی برای دانش آموزان و دانشجویان سرزمین های اشغالی پرداخته است. وی دارای دیوان های شعری و قصه های فراوانی برای کودکان است که می توان به آن ها اشاره کرد: الدم یورق زیتونا (۱۹۷۲)، المطر یبدأ العزف (۱۹۷۷)، الموت علی صدر البرتقال (۱۹۸۳)، بطیناً یمرالدخان (۱۹۸۴)، أم أحمد لا تبیع مواویلها (۱۹۹۰)، مرایا الیاسمین (۱۹۹۸)، مقاله الغیم للشجر (۲۰۰۰) و لاتکسر النای (۲۰۰۶). وی همچنین دو مجموعه قصائد برای کودکان به نام های عصافیر بلادی (۱۹۸۱) و هنادی تغنی (۱۹۸۷) و نیز سه نمایشنامه غنایی برای کودکان دارد. صالح هواری از شخصیت های مشهور فلسطینی است که تاکنون جوایز فراوانی دریافت نموده که می توان به موارد زیر اشاره نمود: وی در سال ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ موفق به دریافت جایزه اول شعر از مجلس اعلاى آداب و فنون دمشق و نیز در سال ۱۹۷۸ موفق به دریافت جایزه اتحاد الکتاب العرب گشته است. وی همچنین به خاطر کتاب "قتلوا الحمام" برترین کار نمایشنامه ای برای کودکان و نیز جایزه فرهنگی یونیسف برای کودک عرب را نیز دریافت نموده است. (مؤسسه جائزه عبدالعزیز سعود الباطین للإبداع الشعری).

عشق و علاقه به سرزمین مادری - که همواره زمینه ساز پایداری در برابر دشمن بوده است - در شعر صالح هواری موج می زند. وی نیز بسان سایر شاعران معاصر عرب به وطن توجه کرده و شعر خویش را با عشق به وطن آراسته است. شاعر ترس خویش را نسبت به وطن ابراز نموده و به پنجره اشاره نموده که نمادی برای رهایی و امید به روزهای آینده است

کیف الوصولُ إلى اشتعالک / أيتها الوطنُ المضمَّمُ بالشَّباکِ / أخافُ منکَ علیکَ / مرتبکُ أنا / این السلاحُ فیکُ / قاموسَ

ارتباکی!! / من عادة الأشجار فیکَ / إذا رأته حطَّابها (هواری، ۲۰۰۰: ۱۴).

در ادامه صالح هواری به ذکر نام برخی از شاعران گذشته و معاصر عرب پرداخته و بدین گونه به میراث و مفاهیم قدیم و جدید عرب اشاره نموده است. وی از افرادی مانند امرؤ القیس، جمیل بثینه، خلیل بن احمد، ابوتمام، بحتری و نیز شخصیت های معاصر مانند ادونیس، محمود درویش و سمیح قاسم یاد کرده است

أنا لست بالمتعصَّب الأعمی انظروا: / "أدونیس" / یشرُّ حلمةُ النبوی / فوقَ سادتی / والبحتری خیامُ دهشته تطلُّنی / "بثینه"

فی قبابِ الرُّوحِ یغزلُها / یغزلُها "جمیل" / والجاهلیةُ رصَّعتُ فی أضلعی / بنجومها لیل امرئ القیس الطویل / و "سمیح"

یمسکة أبو تمَّام / من حجرِ الطفولة / یرکضانَ لیعصرانَ عنبَ "الخلیل" / هی ذی القیامة یا خلیل / تثلُّ علی النجوم / قصائد

"الدرویش" / تقفزُ كالحمام فوق / أشجار الجلیل (هواری، ۲۰۰۰: ۳۵ و ۳۴).

صالح هواری به حجر (سنگ) اشاره نموده که نماد آزادی و زمین و مادر و نیز حکمت و فرزاندگی است. در ادامه وی به درخت بید اشاره نموده که یادآور حس غم است و گاه در ارتباط با مرگ است. وی در ادامه از غزه و کودکان زندانی در اردوگاه‌ها صحبت نموده است و به فلاخن اشاره کرده که نماد نیروی ضعیفی است که با قدرت غالب به مبارزه برخاسته است

عَرَجَ عَلَي الْوُدِيَانِ وَاقْرَأْ / سُوْرَةَ الْحَجْرِ الْفِلَسْطِيْنِيْ / مُحْتَفَلًا بِصَفْصَفِ الدَّمَاءِ / رَحَلَ الْخَرِيْفُ.. أَتَى الْخَرِيْفُ / سَبَّحَ بِمَجْدِ حِجَارَةٍ / سَمَرَاءَ غَزَاوِيَّةٍ / سَتَرَتْ عَلَيْنَا مَا تَبَقَى / مِنْ ثِيَابِ التَّوْتِ / تَحْتَ مِظْلَةٍ الزَّمَنِ الْكَفِيْفِ / سَبَّحَ بِظَفْلِ شَبِّ فَي "الجلزون" / عَنْ طَوْقِ الْمَخِيْمِ / وَامْتَطَى حَجْرَ الرَّصِيْفِ / سَبَّحَ بِمَقْلَاعٍ / أَعَادَ لُوْجَهُ بِأَفَا / وَجْهَهُ الْحَلُوَ النَّظِيْفِ (هواری، ۲۰۰۰: ۲۰ و ۱۹).

هواری علیرغم دوری از وطن علاقه ی خاصی به آن داشته و همواره آن را به بیان داشته است؛ در این قطعه، غم و اندوه خویش را به واسطه ی خونین بودن وطنش بیان داشته و به طاغوت یعنی اسرائیل اشاره نموده و آنگاه از شاعران صعالیک که نماد مبارزه با ظلم و بیداد هستند مانند امیه، شنفری، عقبه نام برده است

دَمِي شَامَةٌ فَوْقَ خَدِّ الثَّرَى / وَأَنَا عَاشِقٌ / هَدَى قَلْبِي الْأَسَى / حِينَمَا أَبْصَرَا / وَطَنِي دَامِيَ الْقَلْبِ / بَاعَ الطَّوَاغِيْتِ / يَاقُوْتَةُ الْأَحْمَرَا / وَرَأَى قَوْمَهُ يَحْرِقُونَ الْمَرَآكِبَ / قَبْلَ الْوَصُولِ إِلَى الشَّطِ / يَا مَنْ دَرِي!!! / أَسْتَحِيلُ إِلَى شَوْكَةٍ فِي الدُّرَا / لِأَقْوَدَ الصَّعَالِيكِ مِنْ جَوْعِهِمْ / أَحْتَمِي بِالْوَحُوشِ / وَأَخْبِزُ لِأُمِّيَةِ الْجَرْحِ / غِيْمَةً وَرَدِّ / عَلَي وَجَعِ "الشَّنْفَرِي" / "عُقْبَةُ" الْآنَ يَسْرُجُ أَحْلَامَهُ / وَيُعِدُّ الْمَرَآكِبَ كِي تُبْحِرَا / فَجَرْدٌ رِيَاْحِكِ مِنْ جَمْرِهِآ / آنَ لِلْجَمْرِ أَنْ يَظْهَرَا (هواری، ۲۰۰۶: ۵۲).

مادر رمز وطن از دست رفته است که شاعر به خوبی از آن استفاده نموده و حزن و اندوه خویش را بر آن اعلام ساخته و نیز بیان داشته که هرگز بدان خیانت نخواهد کرد. زیتون نماد و علامت صلح است (شوالیه و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۹۰).

انجیر بن نیز مانند درخت زیتون و تاک، یکی از درختانی است که نماد فراوانی و برکت است، بعلاوه انجیر بن نماد جاودانگی و فهم برتر است و در آفریقای شمالی این درخت، نماد باروری پس از مرگ است (همان، ج ۱: ۲۶۱-۲۵۷).

وَأَنَا يَا أُمِّي أَبْتَهَلُ إِلَى حَزْنِكِ / أَسْتَقْوِي بِالْحَزَنِ عَلَيْهِ / وَأَقُولُ وَفِي الْقَلْبِ شَجُونٌ.. وَشَجُونٌ / بَاعُوكِ وَقَالُوا هَذَا زَمَنٌ مَلْعُونٌ / وَالتَّيْنِ.. وَزَيْتُونِ الْحَبِّ / وَهَذَا الْقَمَرِ الْمَطْعُونُ / مَا خَنَّكَ وَلَا تَنْصَوْرُ يَوْمًا / أَنَا سِنْخُونٌ (هواری، ۱۹۹۸: ۲۱).

شاعر، وطن را به سان محبوب خویش دانسته که هر نوع رازی در آن خونین شده و در ادامه اعلام می‌کند که آیا کسی هست که نور دزدیده شده را به پنجره بازگرداند، پنجره نماد رهایی و روزهای پرامید آینده است، سپس وی مردم را به خاطر اینکه مبارزه نمی‌کنند، سرزنش کرده و از غبار تفنگ آنان سخن گفته که کنایه از عدم استفاده از آن است.

يَا حَبِيْبِي كُلُّ سِرِّ فَيْكَا يُدْمِي / هَكَذَا صَاحَ الْمَغْنَى / مَنْ يَعِيْدُ إِلَى النُّوَاظِدِ ضَوْءَهَا الْمَسْرُوقِ / يَا قَمَرَ الْجَنُوبِ تَأَخَّرَ التَّفَاحُ / - هَذَا الْعَامُ / وَلَمْ تَحْمَلْ عَذَارَى التَّبِيغِ / غَيْرَ الدَّمْعِ تَجْرِي تَحْتَهُ الْأَلْغَامُ / وَيَا نَارَ الْجَنُوبِ بِأَيِّ قَافِلَةٍ / سَنْرَبُطُ نَبْضَنَا!!! / قَوْلِي لِمَنْ رَبَطُوا السَّفِيْنَةَ بِالْغُبَارِ وَأَبْحَرُوا: / كَيْفَ اللَّجْوُ إِلَى بِنَادِقِكُمْ / عَلَى صَدَا الْغُبَارِ تَنَامُ!!! (هواری، ۱۹۹۸: ۴۲).

ابراهیم طوقان

ابراهیم طوقان از شاعران برجسته دهه‌های بیستم و سی‌ام قرن بیستم میلادی است. در سال ۱۹۰۵ در خانواده‌ای دوستدار علم و ادب در نابلس به دنیا آمد. در سال ۱۹۲۳ در دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول به تحصیل شد و در سال ۱۹۲۹ فارغ‌التحصیل شد. در این مدت روزنامه‌های لبنان شعرهای او را چاپ می‌کردند (کیانی و میرقادری، ۱۳۸۸: ۱۳۲). بعد از دانشگاه در بین سال‌های (۱۹۲۹-۱۹۳۱) در مدرسه «النجاح» نابلس به معلمی پرداخت. در این مدت قصیده مشهورش با عنوان «الثلاثاء الحمراء» را در یادبود «فؤاد حجازی، محمد جمحومف عطا الزیر» که در سال ۱۹۳۰ اعدام شدند، سرود. فعالیت شعری ابراهیم طوقان با سرودن قصیده «ملائکه الرحمه» در سال ۱۹۲۴ شروع می‌شود و تا آخرین سال‌های حیاتش

ادامه دارد. به سبب روحیه مبارزه طلبی‌ای که داشت، سروده‌های فراوانی در دیوان او یافت می‌شود موضوع‌های شعری ابراهیم طوقان بیشتر در دو زمینه وطن و زن است و در موضوع غزل و وصف و رثاء و فخر در قالب سستی شعر سروده است (همان: ۱۳۴).

شاعر، انسان فلسطینی را به اهمیت سرزمین و تلاش‌ها و دسیسه‌هایی که برای جدا ساختن سرزمین از وی صورت گرفته، آگاه کرده و در قصیده (اشترُوا الأَرْضَ تَشْتَرِكُمْ) مردم را به یاری کسانی که بخاطر ترس از اینکه صهیونیست‌ها زمین‌ها را نخرند، شروع به خرید زمین کرده‌اند، دعوت می‌کند

آزروا القائمين بالعمل الصالح إن الأبی هذا مقامه
 آزرهم بالمال فالارض صندو ق لمالکم بل قوامه
 اشترُوا الأَرْضَ تَشْتَرِكُمْ من الضی م و آت مسوده آیامه

(طوقان، ۲۰۰۵: ۲۹۷)

یکی از مضامین شعری طوقان، وطن دوستی می‌باشد، چنانکه در اشعار او عشق به میهن دیده می‌شود. او در قصیده «وطنی أنت لی» حس وطن پرستی را چنین توصیف می‌کند: در این بیت، شاعر وطنش را همه آرزوهایش می‌داند. وطن را جایگاه شکوه و روشنایی و مایه نجات و امید می‌داند. وی وطنش را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید ای وطن آیا تو را سالم و با امنیت و آباد خواهم دید؟ شاعر خود را عاشقی شیفته و وطن را معشوقی دلربا تصور می‌کند و به عشق او ترانه عاشقانه سر می‌دهد

مَوطِنِي مَوطِنِي / الجلالُ والجمالُ والسَّناءُ والبَهَاءُ في رَبِّكَ في رَبِّكَ / والحياةُ والنَّجاةُ والهناءُ والرجاءُ في هواك في هواك / هل أراك هل أراك سالماً مُنْعَمًا وَ غَانِمًا مُكْرَمًا (طوقان، ۲۰۰۵: ۷۵).

عمر ابوریشه

عمر ابوریشه در سال ۱۹۱۲ در عکا بدنیا آمد و تحصیلات ابتدایی خویش را در مدارس ابتدایی حلب گذراند. وی از کودکی شروع به آموختن قرآن کریم کرد و در راه و روش‌های صوفیانه تأمل کرد. وی شعر شاعران گذشته را خوانده و بخش اعظم آن‌ها را از حفظ بود (عثمان، ۲۰۰۳: ۸). شاعر در خانواده‌ای اهل علم و ادب رشد یافت، پدرش و خواهرش زینب و برادرش ظافر شعر می‌گفتند. پدرش نیز وی را مجبور به سرودن شعر کرد تا در این مجال توانایی یافت. پس وی را به انگلستان فرستاد تا درسش را تمام کند. وی در شهر منچستر در رشته شیمی تحصیل نمود (دهان، ۱۹۸۶: ۳۱۳). ابوریشه زبان‌های دیگر را نیز بخوبی می‌دانست. «وی تعدادی زبان خارجی مانند انگلیس و فرانسوی و آلمانی و اسپانیولی را به خوبی می‌دانست و این امر سبب گشت تا صاحب فرهنگی والا و عظیم گردد. وی دیوانی کامل به زبان انگلیسی به نام «الجواب التائه» سرود که سه بار در انگلیس چاپ شد» (اسماعیل دندی، ۱۹۸۸: ۶)

مسأله فلسطین و رنج و عذاب آن‌ها، تراژدی‌ای است که ابوریشه در شعر خود به آن پرداخته و دیدگان دیگران را به آن متوجه ساخته است. پس این مسأله، مسأله هر مسلمانی است زیرا که خطر صهیونیست‌ها تنها سرزمین فلسطین را تهدید نمی‌کند بلکه تمامی اراضی مسلمین را مورد هدف قرار داده و سعی در غارت و چپاول آن‌ها دارد همانگونه که وجود آنان و آینده فرزندان‌شان را تهدید می‌کند. ابوریشه در قصیده «بلادی» سرزمین فلسطین را مورد خطاب قرار می‌دهد

أی فلسطین، ما العربیة لولا قیس من النبوة هادٍ
 کل حرفٍ منها لهاة من العلیاء سالت کریمه الإنشاء

(ابوریشه، ۲۰۰۵: ۳۴۵)

شاعر در قصیده دیگری به نام «بعد النکبة» به اسرائیل حمله می‌کند که در کنار مسجد الأقصى ایستاده است و این امر را سبب عار و ننگ برای بلاد و امت عربی می‌داند، پس وی امت را به مبارزه دعوت می‌کند و گذشته آنان را به یادشان می‌آورد

الإسرائيل تعلقو رایه
فی حمی المهد و ظلّ الحرم
کیف أغضبت علی الذلّ و لم تنفضی عنک غبار التّم
أو ما کنت إذا البغی اعتدی موجهً من لهبٍ أو من دم

(همان: ۳۶۵)

که شاعر به این آیه قرآنی توجه نموده است " أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذِ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ " (بقره/۲۴۶).

کمال ناصر

کمال ناصر در سال ۱۹۲۴ یا ۱۹۲۵ م در غزه به دنیا آمد. اصالت خانوادگی وی از شهر بیرزیت در کرانه باختری است. در دانشگاه بیرزیت درس خواند و در مسابقات شعری موفق بود. سپس وارد دانشگاه آمریکایی بیروت شد و در سال ۱۹۴۵ م، لیسانس علوم سیاسی گرفت (برای اطلاعات بیشتر. ک <http://www.drmosad.com/index.htm>).

یکی از زمینه‌های تفکر در شعر مقاومت، وطن دوستی و عشق و علاقه به میهن است. وطن زادگاه و مکانی برای حفظ اموال، ناموس، عزت و شرف انسان است و به همین جهت یکی از نشانه‌های خردمندان، دلدادگی به وطن است. محبت به وطن، که جزو ذات و سرشت انسان و اجتماعات بشری است، در اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ از پیامبر(ص) روایت شده است " حبّ الوطن من الإیمان " (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱). حضرت علی(ع) نیز، عامل آبادی سرزمین‌ها را عشق به آنها دانسته است " عُمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ " (حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۰۷ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵: ۴۵). ستایش سرزمین، ستایش یک نمود آرمانی است که برای شاعر ارزش ذاتی دارد. شاعر در این گونه اشعار همچون سربازی است که در رسالت تاریخی - اجتماعی به هواداری از سرزمین خود می‌پردازد و در این میان خویشتن را نیز آشکار می‌کند (لک، ۱۳۸۴: ۲۹).

کمال ناصر از ظلم و ستم در وطنش نالان است و عنوان می‌کند که به علت شلوغی درگیری‌ها، نمی‌داند آیا در سرزمین خویش آزاد و رهاست یا در بند اسارت گرفته است

أ طلیقٌ فی موطنی أم سجينٌ لستُ أدری ؟ و لیس تدری السجون
تهتٌ فی زحمة الصراع، فیوماً فارس للحمی و یوماً ظنین
کدتُ أنسی فی حیرتی ذلّ قیدی و کأنی لها أسیرٌ رهین (ناصر، ۲۰۰۷: ۱۴۲)

شاعر از وطن - به صورت مجاز به علاقه مکان - و در واقع از مردم می‌خواهد که اگر به دنبال عزت و شرف و سربلندی هستند پس باید برای درگیری سخت جهت رسیدن به هدفی آگاهانه متحد شوند و وی لزوم این کار را اتحاد برای هدف مشترک و نیز پشتیبانی جوانان از ملت می‌داند

فیا وطنی إن تبغ عزاً و رفعةً تموج بأحلام تظللنا الدهرا
فنظّم صفوف الشعب، نظّم سبيله علی هدف واع ... و حرّیه حمرا
علی حلم للمجد فی ظل رایه موحدة الأمال؛ تستنهض الفخرا

و یا وطنی ... نظّم صفوف شبابنا و شدّ بهم للشعب فی أرضنا أوزا (ناصر، ۲۰۰۷: ۱۶۳)

شاعر، فلسطین را کشوری مقاوم در برابر زنجیر و بند می‌داند که دشمن لجوج سعی دارد بر آن زنجیر بنهد و وی سعی آنها را غیرمثمر می‌داند؛ شاعر در قسمت دوم از ظلم و ستم یهودیان به پشتیبانی انگلیس سخن می‌گوید

هذی فلسطینُ الأبیةُ فی السلاسل و القيود یقضی بها الخصمُ العیندُ و لیس تنفعها الجهود
قرتْ بها عین الجبان و کلُّ نمامٍ حسودٍ ما بین ظلم الإنکلیز، و بین طغیان الیهود

(ناصر، ۲۰۰۷: ۹۷)

شاعر از ناکامی اسرائیل در دستیابی به خواسته‌هایش در سرزمین خویش سخن گفته و به مجد و عظمت پیشین خویش اشاره کرده است. ناصر از امتی سخن می‌گوید که برای بازستانی حتی یک وجب از خاک سرزمین‌شان جان خویش را فدا می‌کنند و مردم تا رسیدن به این آرزو لحظه‌ای خواب به چشمشان نمی‌آید

یا فلسطین لاتبالی فإنا قد روینا و الخصم ظمان صاغر
ما اغتصبنا المجد الأثیل و لکن قد ورثناه کابراً عن کابر
یا فلسطین لاتنامی ففینا أمةٌ تصفع الزمانَ القاهر
کلّ شبرٍ علی أذیمک دنیا سوف یفدیک شعبک المتضافر
کلّ فردٍ معذبٌ بأمانیه علی أمانیک یقظان ساهر (ناصر، ۲۰۰۷: ۱۵۴)

نتیجه‌گیری

شاعران دردمند فلسطینی، حوادث و رویدادهای فلسطین را به چشم خویش مشاهده نموده و برخی از آنها مانند علی فوده و صالح محمود هواری مجبور به ترک دیار و دوری از وطن شده‌اند، بنابراین اشعاری را به سبب عشقشان به وطن سروده‌اند. لحن حاکم بر اشعار شاعران فلسطینی در بردارندهٔ اعتراض به دشمنان خائن می‌باشد. قصاید آنها بیانگر رنج‌های ملتشان است و این ناشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان عرب می‌باشد. این شاعران در حوزهٔ ادبیات مقاومت و عشق به وطن مضامین مشترکی دارند که بیانگر آرمان والای آنهاست؛ آنان گاهی به صورت صریح و آشکار به بیان عشق خویش نسبت به وطن و دشمنی با متجاوزان به آن پرداخته و گاهی با بهره‌گیری از نمادها و اسطوره‌ها برای تشویق و برانگیختن مردم به مقاومت در برابر ظلم و بیدادحاکمان ستمگر زمانهٔ خود استفاده نموده‌اند که نمود آن را بیشتر در شعر صالح هواری مشاهده می‌کنیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم، خلیل و آخرون، (۲۰۰۵)، *مرايا التذوق الادبی، دراسات و شهادات، اردن، عمان: داره الفنون مؤسسه خالد شومان.*
۳. ابوحاقه، احمد، (۱۹۷۹)، *الالتزام فی الشعر العربی، بیروت: دارالعلم للملایین.*
۴. ابوریثه، عمر، (۲۰۰۵)، *الأعمال الشعریة الكاملة، بیروت: دارالعودة.*
۵. اسماعیل دندی، محمد، (۱۹۸۸)، *عمر ابوریثه، دمشق: دارالمعرفه .*
۶. بصیری، محمدصادق، (۱۳۷۶)، *سیر تحلیلی شعر پایداری در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۳۲۰ش، رساله دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.*
۷. حرّانی، ابن شعبه حسن بن علی، (۱۴۰۴)، *تحف العقول عن آل الرسول(ص)، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.*
۸. حرّعاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، *امل الأمل، بغداد: انتشارات مکتبه اندلس.*

۹. داد، سیما، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
۱۰. درویش، محمود، (۱۹۷۱)، شیء عن الوطن، بیروت: دارالعودة.
۱۱. دهان، سامی، (۱۹۶۸)، الشعراء الأعلام فی سوریه، بیروت: دارالأنوار، ج. دوم.
۱۲. سنگری، محمدرضا، (۱۳۷۷)، «ادبیات پایداری»، نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)، ش ۴، س ۳، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۱۴. شکری، غالی، (۱۹۷۹)، أدب المقاومة، بیروت: دار الآفاق الجدیة.
۱۵. شوالیه، ژان و دیگران، (۱۳۸۸)، فرهنگ نمادها و اساطیر، ترجمه سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون، ج. سوم.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷)، تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ج. پنجم.
۱۷. عثمان، هاشم، (۲۰۰۳)، آثار مجهولة، سوریه: وزارت فرهنگ .
۱۸. طوقان، ابراهیم، (۲۰۰۵)، دیوانا ابراهیم طوقان، الأعمال الشعریة، بیروت، دارالعودة.
۱۹. غریب، خلیل قاسم، (۲۰۰۴)، «الغزو المغولی و أثره فی الشعر»، دمشق، مجله جامعه الدمشق، المجلد ۲۰، العدد (۲+۱).
۲۰. فوده، علی، (۲۰۰۳)، الأعمال الشعریة، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
۲۱. کنفانی، غسان، (۱۹۶۸)، «أبعاد و مواقف من الأدب المقاومة الفلسطينية»، بیروت، مجله الآداب، العدد الرابع.
۲۲. کیانی، حسین، سید فضل الله، میرقادی، (۱۳۸۸)، «شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان»، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، ش. اول.
۲۳. لک، منوچهر، (۱۳۸۴)، ایرانز میندر شعر فارسی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۵. میرجلیلی، علی محمد، کمال صحرائی اردکانی، حمیده سادات موسویان، (۱۳۹۱)، «وطن دوستی از دیدگاه قرآن و روایات»، فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، سال دوم، ش. پنجم، صص ۳۴-۷.
۲۶. میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی، (۱۳۷۷)، واژه نامه هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.
۲۷. میرقادی، سید فضل الله، (۱۳۸۹)، «کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده شاعر مقاومت فلسطین»، نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال دوم، ش. ۴، صص ۶۴۳-۶۱۱.
۲۸. ناصر، کمال، (۲۰۰۷)، الأعمال الشعریة الكاملة، تقدیم د. سهیل سلیمان، بیروت: دارالعودة.
۲۹. نجاریان، محمدرضا، (۱۳۸۸) «بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش»، کرمان، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، ش. اول، صص ۲۲۲-۲۰۱.
۳۰. هواری، صالح محمود، (۱۹۹۸)، دیوان مرايا الیاسمین، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
۳۱. _____، (۲۰۰۰)، دیوان ماقاله الغیم للشجر، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
۳۲. _____، (۲۰۰۶)، دیوان لاتکسر النای، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
۳۳. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، جویبار لحظه‌ها، تهران: جامی، ج. پنجم.

سایت‌های اینترنتی

۱- مؤسسه جاثره عبدالعزیز سعود البابین للإبداع الشعری (آخرین بازنگری ۱۳۹۴/۰۱/۱۵).